

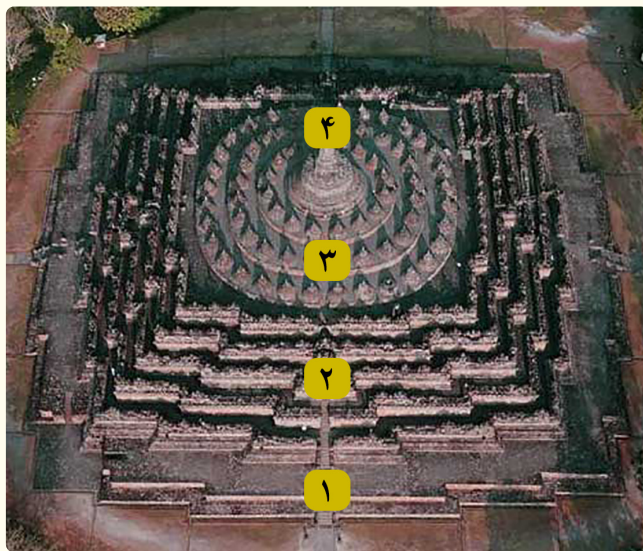


معبد باربادور

بسیست متر است و ارتفاع آن بیش از سی متر. این بنا، به شکل یک هرم پلکانی با سه سطح اصلی است: یک مربع به عنوان قاعده و زیر بنا (قسمت شماره ۱ در عکس)، یک سطح میانی شامل پنج تراس مربع شکل (قسمت شماره ۲ در عکس)، و یک سطح بالایی شامل سه تراس دایره‌ای شکل (قسمت شماره ۳ در عکس). مجموعاً می‌شود نه بخش. (عدد نه در بودیسم، عددی رازآمیز تلقی می‌شود). در مرکز بنا نیز یک استوپا (سازه‌ی ناقوس مانند) بزرگ تک وجود دارد (قسمت شماره ۴ در عکس).

باربادور^۱، بزرگ‌ترین بنای یادبود بودایی است که در شرق آسیا در اندونزی قرار دارد. باربادور طی سال‌های ۷۷۸ تا ۸۵۰ میلادی ساخته شد و حدود سال ۱۰۰۰ میلادی، زیر خاکسترهای آتش‌فشانی مدفون گشت و تا سال ۱۸۱۴ که یک انگلیسی آن را یافت، در زیر انبوهی از گیاهانی که بر روی آن روییده بودند، پنهان بود.

باربادور یا بوروبودور، با تراش دادن یک تپه‌ی سنگی خاکستری‌رنگ ساخته شده است. هر ضلع آن حدود صد و



در پایین‌ترین سطح بنا، امیال و آرزوهای دنیوی بشر، در قالب صدها کنده‌کاری و نقش برجسته نشان داده شده است. قلمرو حس که در آیین بودایی، پایین‌ترین سپهر است گویای احوال انسان‌هایی که اسیر امیال و آرزوها هستند. در این تراس‌ها، نقش برجسته‌ها صحنه‌هایی را نشان می‌دهند که آثار گریزناپذیر اعمال خوب و بد را را نشان می‌دهند؛ به عنوان مثال این که چگونه کسانی که موجودات زنده را شکار می‌کنند، می‌کشند و می‌پزند، در تناسخ‌ها و حیات‌های بعدی‌شان دچار درد، رنج و سوختن خواهند شد. آن‌ها هم چنین نشان می‌دهند که افراد نادان چگونه وقت خود را در سرگرمی‌ها و بیهودگی‌ها تلف می‌کنند.

در حقیقت باربادور هم یک معبد است و هم یک دوره‌ی آموزشی کامل از دین بودایی (مکتب ماهایانه). هر یک از سه سطح اصلی بنا، نمایان‌گر یکی از مراحل سلوک است و رهرو مسیر بوداشدن (=بودی‌ساتوا) (و آرمان او یعنی «روشنایی») را نمادپردازی می‌کند. باربادور، سمبلی است از یک سفر معنوی. زائر این بنا، باید از پلکان شرقی شروع کند و قبل از رسیدن به بالاترین نقطه، در جهت عقربه‌های ساعت، در اطراف هر یک از سطوح نه‌گانه‌ی بنا، قدم زند؛ مسافتی حدوداً پنج کیلومتری. به منظور احترام، معمول این است که وقتی زائر در حال راه رفتن است، استوپا (سازه‌ی ناقوس‌مانند) مرکزی، در سمت راست او باشد.



بعد از این صحنه‌های زندگی روزمره، در سطح بعد، نقش برجسته‌ها، سپهر میانی یا «قلمرو شکل‌ها» [ظواهر و فرم‌ها] را نشان می‌دهند: شرح حال انسان‌هایی که خود را از دست امیال و خواسته‌ها رها ساخته‌اند اما هنوز هم در بند خودبینی و خودپرستی هستند. در این تراس‌ها، موضوع و مضمون نقش برجسته‌ها عمیق‌تر و معنوی‌تر می‌شود و آموزه‌های متون مقدس بودایی (ماهایانه) بازگو می‌گردند: این که چگونه به شناخت و کشف خویشتن خود پردازیم و چگونه رهرو مسیر بوداشدن (=بودی‌ساتوا) باشیم (که تصور می‌شود با شفقت برای همه‌ی مخلوقات و وقف کردن تمام وکامل خویشتن برای رستگاری همه‌ی آفریده‌ها به دست می‌آید).

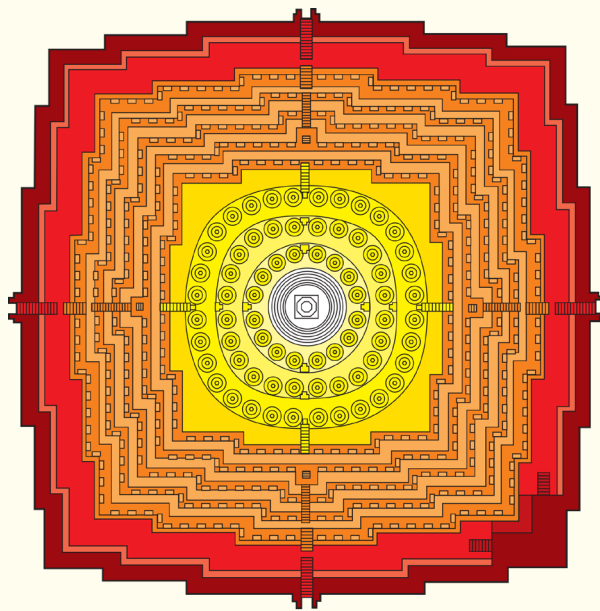
بالاترین سطح، «قلمرو شکل‌ناپذیری» یا جدایی از جهان مادیات را به تصویر کشیده است و انسانیتی را نمادپردازی می‌کند که از امیال و ظواهر رها شده است. در این تراس‌های دایره‌ای شکل، نقش برجسته‌ها به تدریج کم‌تر و ایستاتر می‌شوند. البته از صراحت





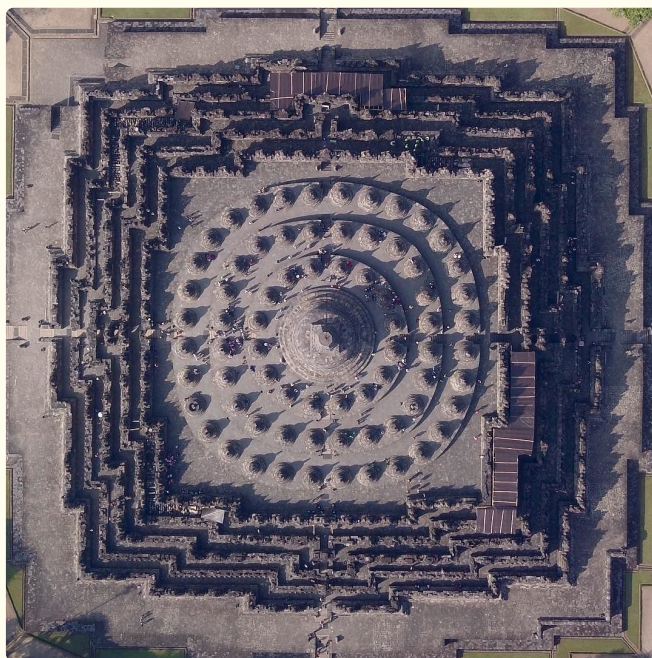
جای داده‌اند. بر لبه‌ی این تراس‌ها، ۷۲ استوپا (گنبد ناقوس‌مانند) قرار دارد؛ که در دلِ بسیاری از آن‌ها مجسمه‌ای از بودا جای گرفته است. ۷۲ گنبدِ ناقوس‌مانندِ روی تراس‌های دایره‌ای، نمادی اند از «به‌روشنایی‌رسیدن»های ناتمام و هنوز به‌فرجام‌نارسیده. بالاترین تراس، که گنبدِ آن حاویِ تصویریِ ناتمام از بوداست، نمادی است از نیروانا (مقصد نهاییِ آیین بودا؛ وادی‌ای عاری از امیال، نفرت، خودبینی و سرانجام‌رها از رنج و تولد مجدد)؛ وضعیتِ معنویِ نهایی‌ای که توصیف‌ناشدنی است. سرانجام در مرکز، همه چیز از حرکت باز می‌ایستد و طراحی و نقش‌ونگار، کاملاً فرمان‌بردارِ دایره‌ای است که استوپا را دربرگرفته است. اگر از بالا به باربادور نگرسته شود، شبیه به یک ماندالا است. ماندالا دایره‌ای است درون یک مربع که از اشکال مقدس آیین بودا محسوب می‌شود و نمادی است برای کیهان.

و بی‌پردگیِ شکل‌ها، کاسته نمی‌شود، اما، در طراحی، تأکید زیادی شده‌است بر یکسان شدن، قائم بودن وقاب‌های چهارگوشِ ایستا و رسمی‌ای که چهره‌ها و پیکره‌های تکرارشونده‌ای را در خود



■ قلمرو امبال و آرزوها
■ قلمرو شکل‌ها
■ قلمرو شکل‌ناپذیری

ساله، در مراسم «وایساک» (Waisak)، که زیر نور ماه شب چهارده (کامل) برگزار می‌شود، هزاران راهب بودایی با ردهای نارنجی‌رنگ، در صفوفی آیینی، به سمت بوروبودور به راه می‌افتند؛ برای بزرگداشت سفر بودا برای «رسیدن به روشنایی».



باربادور، به طور کلی نمادی است از حرکت، گذار و تغییر انسان در دین بودایی؛ گذار از پایین‌ترین سطوح تجلی واقعیت (قاعده‌ی بنا)؛ گذار از میان مجموعه‌ای از مناطق که بازتابی از وضعیت‌های روان‌شناختی انسان اند؛ و حرکت به سوی وضعیت نهایی یعنی به‌روشنایی رسیدن معنوی (قله‌ی بنا).

وحدتی که بر سرتاسر بخش‌های این بنا حکم فرماست، به شکلی گیرا نشان‌گر وحدت کیهانی‌ای است که نور حقیقت در سرتاسر اجزایش گسترده شده است.

هدف آن است که بازدیدکننده در حین بالا رفتن از سطوح باربادور، تحوّل یافته و دگرگون گردد و هر چه به قله نزدیک‌تر می‌شود، با تصاویری مواجه شود که تعالیمی به تدریج عمیق‌تر و عمیق‌تر را عرضه می‌کنند.

در گذشته، این بنا، به نوعی محل مقدسی برای عموم مردم بوده است؛ کانونی برای دین‌داری و زندگی آن‌ها و مکانی برای مرور پیوسته و به‌یادآوردن آموزه‌های دین‌شان. هر

منبع:

– Wilkinson, Kathryn & etc. (2008), "Signs & Symbols (An Illustrated Guide to Their Origins and Meanings)", Dorling Kindersley Publication, LONDON & etc.

هم‌چنین می‌توانید ر.ک به ترجمه‌ی نه‌چندان دقیق فارسی این کتاب با عنوان «دایره‌المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها»، ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیرپور، انتشارات سایان.

– <https://www.britannica.com/topic/Borobudur>

– <https://www.britannica.com/art/Southeast-Asian-arts/Post-Boro-budur-candis>

Barabudur/ Borobudur (٨)